

# سید حسن مدرس

## و بازبینی در سیاست موازنه عدمی

دکتر سیدعلیرضا ازغندی

و عناصر و عوامل داخلی آنهاست. تاریخ سیاسی و اجتماعی معاصر ایران به خوبی نشان می‌دهد، هرگاه دولتی از سیاست موازنه وجودی یا مثبت (مثبت برای دیگران) پیروی کرد، استقلال ملی و اعتبار بین‌المللی خود را از دست داد. و بدون کوچک‌ترین مقاومت سلطه‌دیگران را پذیرفت، در حالی که هرگاه دولتها سیاست موازنه عدمی را به‌عنوان جهت‌گیری سیاست خارجی پذیرفته‌اند با برخورداری از حمایت مردم قادر به مقابله با سیاستهای مداخله‌جویانه بیگانگان بوده‌اند.

در تاریخ سیاسی یکصدسال اخیر ایران شخصیت‌های سیاسی خوشنام و اصلاح‌طلب بسیاری را می‌توان شناسایی کرد، که هر

### مقدمه

دولتها در ارتباط با ساخت اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جامعه و با در نظر گرفتن منافع اقشار و طبقاتی که نمایندگی می‌کنند و نیز با توجه به نوع و ماهیت نظام بین‌الملل، برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی خویش از جهت‌گیریهای مختلفی پیروی می‌کنند. در طول تاریخ سیاسی یک قرن اخیر ایران نیز دولتها عمدتاً از دو جهت‌گیری سیاسی که به نحوی در ستیز با یکدیگر بودند، پیروی کرده‌اند، یکی سیاست موازنه عدمی یا موازنه منفی که منعکس‌کننده و بیانگر خواسته‌ای اکثریت مردم و تأمین‌کننده منافع آنهاست و دیگری سیاست موازنه وجودی یا موازنه مثبت که استراتژی قدرتهای خارجی

یک به نحوی و در مقاطع تاریخی خاص در هدایت حرکت‌های مقاومت گونه مردم نقش تعیین کننده‌ای داشته‌اند. به نوشته ملک الشعراى بهار، آیت... سیدحسن مدرس قمشه‌ای در سادگی، شهامت، جوانمردی، پاکدامنی و میهن دوستی سرآمد تمام آنان بوده است، کسی که با حلم و بردباری بی نظیر نسبت به دیگران، حتی مخالفان خویش، «هیچ گاه متوسل به حربه دین و سلاح مذهب علیه دیگران نگردید»<sup>۱</sup>.

متأسفانه تاکنون آرا و پیشنهادات مدرس در مورد سیاست و روابط خارجی به نحو شایسته مورد توجه محققین قرار نگرفته است، لذا نقش و عملکرد سیاسی او در شش دوره قوه مقننه نیازی به بازبینی دارد. بدین خاطر هدف این مقاله با بهره گرفتن از منابع اولیه پی بردن به منظور و نیت مدرس از طرح سیاست موازنه عدمی است. به عبارت دیگر تلاش مقاله پیدا کردن پاسخی برای این سؤال است که بدیل‌های سیاسی موازنه عدمی مدرس کدام‌اند؟ ضمن اینکه انتظار می‌رود بیان هر چند مختصر آرا و اندیشه‌های مدرس در باروری تفکر عقلانی و علمی هر چه بیشتر نخبگان و دست‌اندرکاران سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مؤثر افتد.

### موازنه عدمی به چه معنی است؟

در فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای سیاست خارجی متغیرهای بنیادی و عوامل و عناصر مقطعی و موضعی تأثیر می‌گذارند. این متغیرها می‌توانند مبانی اعتقادی، نوع نظام سیاسی، شرایط

جغرافیایی، فرهنگ سیاسی، ساختار و ماهیت نظام بین‌المللی را دربرگیرند. از میان متغیرهای نامبرده نقش موقعیت جغرافیایی و شرایط اقتصادی در پویش شکل‌گیری و اجرایی سیاست و روابط خارجی ایران نسبت به سایر عوامل دخیل مورد توجه محققین و نخبگان سیاسی قرار گرفته است. آیت... سید حسن مدرس از جمله این نخبگان است که در ارتباط با ضرورت سیاست موازنه عدمی در روابط خارجی مدعی است، چه از نظر تاریخی و چه به جهت جغرافیایی و اقتصادی، مصلحت و منافع ایران و ایرانیان ایجاب می‌کند، هم در دوران صلح و هم در شرایط جنگی از این سیاست پیروی شود.

در واقع برای آگاهی درست و واقع بینانه از جایگاه ایران در جامعه جهانی مفید خواهد بود از زبان مدرس دلایل نقش مؤثر وضعیت جغرافیایی ایران در شرایط خاص تاریخی را بدانیم. او با درک موقعیت جغرافیایی ایران و وضعیت اقتصادی و سیاسی کشور تأکید دارد که باید نسبت به همسایگان و دیگر کشورهای جهان روابط حسنه و صلح‌آمیز داشته باشیم. مدرس در سخنرانی جلسه ۲۸۴ مجلس شورای ملی مورخ بیست و یکم خرداد ۱۳۰۲ به صراحت می‌گوید:

ما نسبت به دول دنیا دوست هستیم، چه همسایه، چه غیرهمسایه، چه جنوب، چه شمال، چه شرق و چه غرب». البته روابط دوستانه با تمامی کشورها تازمانی ادامه خواهد داشت که

«متعرض ما نشوند»، ولی چنان که کشوری قصد سوئی به ایران داشت، لازم است «به قدری که از زمان برمی آید و ساخته است» جلوی تعرض و حمله را بگیریم و از وطن خویش دفاع نماییم.<sup>۲</sup>

از نظر مدرس «وضعیت جغرافیایی مملکت» ما را با دو کشور و قدرت بزرگ روس و انگلیس همسایه کرده است، این دو کشور برای اینکه ایران را همانند سایر کشورها به زیر سلطه خود ببرند از هیچ کوششی فروگذار نیستند و به هر وسیله و ترفندی متوسل می شوند، ما ایرانیان اعم از دولت و ملت موظف هستیم برای خنثی کردن تلاشهای آنان سعی کنیم روابط حسنه و بیطرفانه ای داشته باشیم، بدین خاطر نیز بوده که همیشه دولت‌های ایران مراقب بودند، با این «دو دولت بزرگ غنی و قوی و عاقل و عاقل به نحو مسالمت رفتار نمایند».<sup>۳</sup> و اما چرا باید دولت‌ها همیشه از روابط حسنه در مقابل دولت‌ها و از جمله روسیه و انگلیس پیروی نمایند، باز مدرس با توجه به وضعیت جغرافیایی و شرایط فرهنگی و با عنایت به تجارب تلخی که از حمله و دخالت

کشورهای خارجی و اشغال ایران دارد، می گوید: «من از هر دولتی که بخواهد دخالت در امور ما بکند می ترسم»، بنابراین «باید توازن عدمی را نسبت به همه مراعات کرد. توازن وجودی، یعنی شما برای خودتان، ما هم برای خودمان ولیکن از تمایل زیادتر باید احتیاط کرد».<sup>۴</sup> عناصر وهسته اصلی سیاست موازنه عدمی را «اسلامیت و ایرانیت» تشکیل می دهند. به

اعتقاد مدرس هر ایرانی شرافتمند و دیانت مند باید با تمام امکاناتی که در اختیار دارد، براساس اصل اسلامیت و اصل ایرانیت از وطن خود دفاع کند. در واقع موازنه عدمی دستور دین اسلام است و لذا تنها با تمسک به مکتب است که می توان اندیشه و اخلاق و کردار سیاسی را محک زد و ارزیابی نمود. مدرس در سخنرانی جلسه ۲۸۰ مجلس دوم شورای ملی سعی می کند توجه نمایندگان مجلس را به اسلامیت نظام جلب کند. او می گوید: هر قانونی که به «تصویب مجلس مقدس» برسد قانون اسلام است، قانون ملی کرور جمعیت مسلمان ایران است. به عبارت دیگر هر کجا از قانون صحبت می شود، «یعنی قانون اسلام، اعم از اینکه به عناوین اولیه یا به عناوین ثانویه باشد».<sup>۵</sup> بدین ترتیب می توان گفت که از نظر مدرس سیاست عدمی فقط یک استراتژی سیاسی و روابط خارجی نیست، بلکه عین دیانت است و در نهایت ناظر بر تمام روابطی است که انسان با خدای خویش، با مردم، با جامعه و دیگران برقرار می سازد.

به باور مدرس در شرایط حساس سیاسی، سالهای بین انقلاب مشروطیت و فروپاشی قاجار، تنها پیروی از سیاست موازنه عدمی می توانست منافع ملی ایران را تأمین کند، چرا که «مقتضای وضعیت ما، مقتضای دیانت ما، صلح و همزیستی با دول دیگر است. پایبندی به اسلام در هیچ شرایط مکانی و زمانی اجازه تعرض به ما نمی دهد، مگر اینکه قصد دخالت

و نفوذ داشته باشند، که در این صورت «هر ضعیفی را اگر کسی متعرض شد باید به قدر مقدور و میسور، عقلاً، دیانتاً و سیاستاً در صدد رفع و دفع آن برآید».<sup>۶</sup>

مدرس به عنوان یک شخصیت مذهبی و یک سیاستمدار وطن دوست که در تمام عمر خویش برای اعتلا و سربلندی و آبادانی ایران تلاش نمود، در باب ارتباط دین و سیاست در جلسه ۳۳ مجلس چهارم شورای ملی مورخ ۳۰ مهر ۱۳۰۰ می گوید: هدف من و بسیاری از شخصیت‌های آزادیخواه و وطن دوست در برپایی مشروطیت و تأیید قانون اساسی برای این بود که تک‌رویها و اختلافات بین عوام و خواص از بین برود. «این معنی ندارد که دولت و ملت، سیاست و دیانت دو تا باشد، پیغمبر اکرم (ص) که مؤسس دیانت بود، رئیس سیاست بود. از آن وقت که اختلاف پیدا شد، ممالک اسلامی رو به ضعف رفت».<sup>۷</sup>

در واقع مدرس به عنوان یک چهره مذهبی - ملی از هر فرصتی که به دست می آورد استفاده کرده بر ارتباط دین و سیاست تأکید می ورزد و بقا و موفقیت سیاست عدمی را درگروی رعایت این ارتباط می داند. اصولاً او سرمنشاء رفتار و کردار دولت و ملت ایران را یکی می داند، یعنی «سیاست ما عین دیانت ماست و دیانت ما عین سیاست ماست»، چرا که به اعتقاد او این امر دستور دین اسلام است. این مسئله را مدرس در ملاقات خود با صدراعظم عثمانی یادآوری می کند و می گوید ما به عنوان مسلمان موظف

هستیم از سیاست وطنی خود دفاع کنیم، بنابراین چنانچه کشوری قصد تعرض به خاک ایران را داشته باشد «او را با تیر می زنیم، خواه کلاهی باشد، خواه عمامه ای یا خواه شاپو برسر داشته باشد».<sup>۸</sup>

از سخنان و ابراز نظرهای مدرس در باب سیاست خارجی می توان چنین نتیجه گرفت که موازنه عدمی در روابط خارجی به معنای برقراری رابطه ای است که یک دولت متکی به ملت با دول دیگر برقرار می سازد. این دولت مجری سیاست موازنه عدمی چه در تئوری و چه در عمل با دادن هر نوع امتیازی که از نظر اقتصادی و سیاسی تأمین کننده منافع ملی نباشد، مخالف است و لذا سعی می کند با استفاده از تمامی امکانات سلطه قدرتهای بیگانه را به حداقل برساند. بنابراین سیاست موازنه عدمی به معنی استقلال از هر گونه قدرت خارجی است، قدرتی که بخواهد با ایجاد رابطه ای نابرابر از تحول و تکامل سیاسی و اقتصادی جامعه جلوگیری به عمل آورد. این موازنه، سیاستی کنش پذیر و غیرفعال نیست، بلکه به خاطر برخورداری از حمایت مردم پرتحرک و فعال است و در برابر هر تحول و دگرگونی در روابط بین الملل مستقلاً تصمیم می گیرد و عمل می کند. به این نکته نیز باید توجه کرد که میان موازنه عدمی در روابط خارجی و موازنه عدمی در امور داخلی جامعه رابطه ای متقابل وجود دارد، و این دو موازنه در واقع یک موازنه هستند. بنابراین نمی توان در سیاست خارجی اساس بر موازنه

عدمی و طرد و نفی سلطه باشد، اما در داخل شاهد فقدان آزادی و اعمال قدرت اقلیتی صاحب زر و زور و تزویر بر مردم محروم باشیم. به هر حال نمی توان در شرایطی که دولت در امور داخلی و روابط خارجی از سیاست موازنه عدمی پیروی می کند، شاهد حاکمیت «بی حقان غاصب» بر «ذیحقان محروم» بود.

بدون تردید موفقیت سیاست موازنه عدمی مستلزم رعایت چند اصل است: در امور داخلی: ۱- اتکا به ملت و مجلس و ۲- انجام اصلاحات در روابط خارجی: الف) مخالفت با قراردادهای استعماری و استثمار و ب) دارا بودن دیپلماتهای کارآمد.

### ۱- اتکا به ملت و مجلس

به اعتقاد مدرس قانون اصلی تمام امور مملکت ایران مجلس شورای ملی است و تمام مسائل مهم اعم از اینکه مربوط به امور داخلی کشور باشد و یا مربوط به عالم اسلام و سایر کشورها باید در مجلس شورا طرح و بحث شود. چون مردم و نمایندگان در سرنوشت سیاسی و اجتماعی کشور نقش اول را دارند، مجاز هستند و قادرند، حتی بالاترین مقامات لشکری و کشوری را استیضاح کنند.<sup>۹</sup> از نظر مدرس «در مملکت مشروطه هیچ کس در هیچ امری با مجلس نمی تواند مقاومت کند»، چرا که مجلس شورای ملی از مجموع ملت آن مملکت تشکیل شده، و عظمت و اعتبار ملت همان عظمت مجلس شورای ملی است. «پس هرکسی ملتی را

بزرگ و با عظمت بخواد باید مجلس شورای ملی او را هم بزرگ و با عظمت بخواد، ولو مجلس مشتمل بر مثل نمی باشد که شاید قدر و قابلیت نداشته باشد ولیکن چون عضو مجلس شورای ملی هستم، لهذا خیلی بزرگ و بزرگوارم»<sup>۱۰</sup>

مدرس به اتکای مردم و ارادت و تعهدی که نسبت به آحاد و ملت داشت، در محافل و مجالس مختلف با تمام قوا از منافع آنان دفاع و در اکثر سخنرانیها بر نقش بسیار سازنده نمایندگان مجلس شورای ملی در ادوار مختلف قانون گذاری تأکید می کرد. او در دفاع از نقش بسیار کارآمد و معین نمایندگان مجلس می گوید: به رغم تمام فشارها و تهدیدهایی که از سوی قدرتهای خارجی و عوامل داخلی آنان در بیست سال پس از انقلاب مشروطیت به مجلس و نمایندگان با ایمان و میهن دوست وارد آمد، «همین مشروطه نوس» ما و همین وکلای «نارسیده» ما در مقابل دولتهای به اصلاح «رسیده»<sup>۱۱</sup> ایستادگی کردند. التیماتوم روسها برای بیرون راندن مورگان شوستر آمریکایی را نپذیرفتند، پلیس جنوب که تا کاشان پیشروی کرده بود به برکت مجلس شورا دفع گردید، با دولتها ناکارآمد و وابسته به بیگانگان مخالفت کردند. نمایندگان مجلس با اتکای به نیروی لایزال مردم با اینکه به قول انگلیسیها «کم رشد و نرسیده» بودند و با اینکه اکثریت مردم ایران به امور سیاسی آشنا نبودند «الحق والانصاف مخالفت خود را با قرارداد ۱۹۱۹ و ثوق الدوله و

کاکس به بهترین نحوی که ممکن بود نشان دادند».<sup>۱۲</sup>

## ۲- اصلاحات صنعتی و علمی

مدرس به اقتضای «حکم شریعت اسلام» بر ضرورت توسعه اقتصادی و علمی کشور «فقیر ایران» تأکید می‌ورزد و اظهار امیدواری می‌کند، دولت و ملت تمام هم و غم و تلاش خویش را در جهت آبادانی مملکت و تأمین سرمایه‌داران داخلی به کار نبرند. بنابراین وظیفه «دولت عدالتخواه» و «مردم ایران خواه» و تمام آحاد ملت که عقیده دارند «این مملکت برای ایرانی بماند» باید بسیج شوند، از اشکال تراشی پرهیزند و اگر ضرورت داشته باشد حتی «باید یک چیزی هم دستی به دیگران بدهیم» تا این مملکت را آباد سازیم.<sup>۱۵</sup>

به اعتقاد مدرس «حیات هر مملکت مربوط به اقتصادیات آن مملکت است». و اقتصاد مملکت نیز به صنعتی کردن کشور بالاخص استخراج منابع، توسعه شبکه راه آهن و برق و برپایی صنایع جدید بستگی دارد. مدرس از اینکه خداوند «تمام منابعی که ما لازم داریم» به عنوان «نعمت» به ما ایرانیان ارزانی داشته ابراز رضایت و خوشحالی می‌کند و توصیه می‌نماید که خود ایرانیان از این منابع خداداده بهره‌مند شوند تا شاید به توفیق پروردگار «بتوانیم کارخانجات، راه آهن و علوم و صنایع جدید و بالاخره از تمام آنچه را که دنیای کنونی دارد و ما نداریم در مملکت خودمان ایجاد و تأسیس کنیم».<sup>۱۶</sup>

در جلسه ۲۰۲ مجلس شورای ملی مورخ ۲۴ محرم ۱۳۲۲، مدرس ضمن دعوت نمایندگان مجلس به اتخاذ و ضرورت پرهیز از اختلاف، بر اهمیت مجلس و نقش مؤثر آن در سیاست گذاری حکومتی تأکید می‌ورزد: چراکه «یک جلسه‌اش را قیمت کرده‌اند هفتصد تومان و بنده دقیقه‌اش را می‌گویم مقابل تمام دنیا قیمت دارد». به دلیل اینکه حتی در یک دقیقه می‌توان «حرفی زد - قانونی وضع کرد و نظم داد».<sup>۱۳</sup> طبیعی است که موفقیت مجلس در انجام رسالت قانونگذاری خود در گروی اتحاد تمام آحاد ملت و پشتیبانی آنها از اقدامات نمایندگان است. حتی حفظ بیطرفی در شرایط بی‌ثباتی جهانی نیز مستلزم یکپارچگی و وحدت ملت است. مدرس در جنگ جهانی اول که ایران به اشغال قوای نظامی روسیه و انگلستان درآمده بود، برای علما، تجار، احزاب و نخبگان سیاسی اعلامیه می‌فرستاد و تذکر می‌داد که «بقای دیانت اسلامیت و اساس ملیت و تاج و تخت سلطنت به واسطه اقدامات اجانب در خطر است. برای سعادت در مقابل فشارهای قطعی، اجنبی خبر اتحاد و اتصال تمام عناصر صالح مملکت وسیله دیگری در دست نیست». بنابراین باید از طرح موضوعات تفرقه افکنانه پرهیز کرد و «متحداً و متفقاً برای دفاع دین و وطن و تاج و تخت سلطنت متحد و همقدم بوده،... همگی تحت عنوان مدافعین وطن به انجام وظیفه ملی

به فراغت بال موفقیت خود را از جانب خدا مشاهده کردیم.<sup>۱۹</sup> البته به اعتقاد مدرس کافی نیست که برای سامان بخشیدن به اوضاع اقتصادی و صنعتی کشور از متخصصین خارجی کمک گرفت، بلکه همزمان لازم است با تربیت علمی ایرانیان تلاش نمود از نیروهای متخصص داخلی جهت آبادانی کشور سود جست. بنابراین، آوردن متخصصین خارجی اولاً باید با «رأی نمایندگان ملت» صورت گیرد، ثانیاً متخصص باید «صاحب صنعت فنی» باشد، ثالثاً همزمان باید سعی شود با فرستادن ایرانیان به خارج از کشور جهت فراگرفتن علوم، نیازمندی کشور به متخصص توسط نیروهای داخلی تأمین شود. در عین حال مدرس آوردن معلم و متخصص خارجی به ایران را به فرستادن محصل به خارج ترجیح می‌دهد. چرا که با فرستادن محصل به خارج تاکنون مشکلات اقتصادی و صنعتی و فرهنگی جامعه «ضعیف ایران» حل نشده، به علاوه، اصولاً از لحاظ مادی اعزام محصلین به خارج برای کشور به هیچ وجه سودآور نبوده است. بنابراین در شرایطی که کشور نیازمند علوم و فنون بیگانگان است، صلاح دین و وطن است که علم و عالم را از خارج به مملکت بیاوریم. «اگر معلم بیاورید و اولیاء امور مملکت هم مواظب باشند... سالی یک کرور [پانصد هزار تومان] هم خرج آن معلمین بشود بهتر و نافع تر است از برای مملکت از اینکه شاگرد به خارج بفرستند.»<sup>۲۰</sup>

اما چنانچه دولت فاقد اسباب و وسایل لازم استخراج منابع زیرزمینی بوده و ملت نیز توان مالی کافی سرمایه‌گذاری رانداشته باشد، «هیچ اشکالی ندارد که از امکانات دیگران بدین منظور استفاده کرد». منتها از کشورهای بیطرف از جمله ایالات متحده آمریکا باید کمک گرفت و از همکاری با کشورهای روسیه و انگلستان که در طول تاریخ سیاسی رابطه‌ای وجودی و سلطه‌گرانه به ما تحمیل کردند، جداً باید پرهیز کرد. یکی از دلایل مهم ضرورت استفاده از متخصصین خارجی در روند توسعه صنعتی به گفته مدرس این است که تحصیلکردگان ایرانی در آن زمان «از صنعت و فن شناسی» چیزی نمی‌دانند و بدون تردید «تأیست سال دیگر» نیز به ترتیبی که پیش می‌رود متخصص نخواهیم داشت و «لذا باید به فوریت» همکاری خود را با آنها شروع کنیم، ضمن اینکه برای فعالیت صاحبان سرمایه ایرانی نیز باید امکاناتی فراهم سازیم که ایرانیان و «آنها» که ثروت دارند، اگر خواستند منابع زیرزمینی را استخراج کنند، آزاد باشند».<sup>۲۱</sup>

البته هدف از همکاری با خارجیان و استخدام مستشار نفتی و مالی آمریکایی تنها به منظور «قطع دستهای تجاوزگرانه» دو قدرت سنتی روس و بالاحص انگلیس است.<sup>۲۲</sup> به گفته مدرس اصرار نمایندگان مجلس به همکاری با شرکتهای نفتی بدین خاطر بوده که «مستخدمنی که غالباً از دنیای کهنه می‌آوریم بنا گذاریم از دنیای نو [منظور آمریکا] بیاوریم و

### ۳- مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹

پس از فروپاشی روسیه تزاری در اکتبر ۱۹۱۷ و خروج نیروهای روسی از ایران، دولت بهینه انگلستان تمام تلاش و امکانات خود را به کار گرفت از خلای قدرت به وجود آمده در ایران بیشترین امتیازات را به دست آورد. براساس طرح لرد کرزن وزیر امور خارجه وقت انگلستان برای دستیابی به این هدف لازم بود که یک حکومت مرکزی از سه طریق: یکی با به قدرت رسانیدن شخصیت‌های سیاسی طرفدار انگلستان، دوم با همکاری نظامی بین دو کشور و اعطای وام و سوم، در صورت عدم موفقیت این دو روش طرح و اجرای براندازی می‌بایست در عمل پیاده شود. بنابراین امضای قرارداد اوت ۱۹۱۹ تحت عنوان قرارداد نظامی، سیاسی میان ایران و بریتانیا بین وثوق الدوله نخست وزیر وقت ایران و سرپرستی کاکس وزیر مختار انگلستان در تهران را باید در ارتباط با طرح لرد کرزن مورد بررسی قرار داد. انگلیسیها جدا از فشارهای سیاسی بر دولتمردان ایرانی برای عقد هر چه سریع‌تر این قرارداد مبلغ چهار صد هزار تومان به نخست وزیر، وزیر امور خارجه و وزیر دارایی ایران پرداخت کردند.<sup>۲۱</sup>

پس از انتشار این قرارداد بسیاری از روزنامه نگاران، شخصیت‌های سیاسی و روحانیون، افرادی چون آیت... امام جمعه خوئی - یحیی دولت‌آبادی، حسن پیرنیا، ذکاءالملک فروغی، حسن متوفی، با نوشتن مقالات شدیدالحن، انتشارشبنامه و سازماندهی

راهپیماییها با این قرارداد مخالفت کردند. ولی رهبر جدی مخالفین قرارداد سیدحسن مدرس بود. او نه تنها با سخنرانیهای خود، مردم را به مقاومت در برابر قرارداد تشویق می‌کرد، بلکه با ارسال دعوتنامه‌هایی برای وزرا، افسران ژاندارمری و فرماندهان فزاق از آنها می‌خواست در راهپیماییها و میتینگهایی که مخالفان به عنوان اعتراض به بسته شدن قرارداد ترتیب داده‌اند، شرکت کنند.<sup>۲۲</sup>

به اعتقاد مدرس این قرارداد، «یک سیاست مضرب به دیانت اسلام... و برخلاف مصالح و حیثیت و استقلال ایران است». مدرس در نطق خود در جلسه دهم آبان ۱۳۰۳ مجلس شورای ملی، می‌گوید: انگلیسیها مرتب به من رجوع می‌کردند و علت مخالفت من با قرارداد را می‌پرسیدند. جواب می‌دادم، من با ماده اول قرارداد که استقلال ایران را تضمین می‌کند مخالفم، این مسئله بسیار خطرناک است، چون نشان می‌دهد که توطئه‌ای علیه استقلال و حاکمیت ملی کشور در شرف انجام است. «تأکید روی استقلال یک دولت مستقل مثل این است که کسی بیاید پیش من و به من بگوید سید من حاضرم سیادت تو را به رسمیت بشناسم.»<sup>۲۳</sup> به طور مشخص مخالفت مدرس با این قرارداد بدین خاطر است که امور مالی و نظامی ایران را به یک دولت بیگانه واگذار می‌کند. او می‌گوید: «ایران تمامش مال ایرانی است... همه چیزش متعلق به ایرانی است، فقط این قرارداد در دو چیزش، دیگری [انگلیسیها] را



شرکت می دهد، یکی پولش و یکی قوه اش» و من با این کار مخالفم.<sup>۲۴</sup>

#### ۴- داشتن دیپلماتهای کارآمد

بدون تردید در کنار عوامل متعدد تأثیرگذار بر فرآیند تصمیم گیری و اجرایی سیاست خارجی نقش و میزان کارایی مأمورین وزارت خارجه دارای اهمیت بسیاری است. دیپلماتها می توانند با ارائه کارنامه ای کارآمد به دستیابی هر چه موفق تر اهداف سیاست خارجی کمک نمایند. هر چند که در مرحله اول مشروطیت (۱۳۰۴-۱۲۸۵ش) یعنی در سالهای فعالیت سیاسی مدرس بر تعداد شخصیتهای تحصیلکرده در مناصب بالای وزارت خارجه افزوده شد و حضور آنها در این وزارتخانه تا اندازه ای به روابط خارجی کشور شکل سازمان یافته تری بخشید،<sup>۲۵</sup> ولی به علل مختلف، از جمله به خاطر خردناورزی و عدم آشنایی اکثر آنان به فن دیپلماسی و شرایط بین المللی نتوانستند کارنامه موفقی در جهت تأمین منافع ملی ایران ارائه دهند. بدین خاطر به اعتقاد مدرس تحقق سیاست موازنه عدمی به وجود وزارتخانه ای مجهز، سازمان یافته با دیپلماتهای مجرب بستگی دارد. از نظر او اصولاً استقلال هر کشوری از جمله ایران به دو چیز است: یکی وزارت خارجه با دیپلماتهای کارآمد و دیگری داشتن رابطه با دیگران یعنی بازبودن دروازه ها. در واقع وزارت امور خارجه باید مأمورینی را تربیت کند و شخصیتهایی را به نمایندگی ایران به ممالک بیگانه بفرستد «تا

بتوانند ابهت و عظمت و استقلال مملکت مارا» حفظ نمایند. یعنی اینکه مأمور سیاسی و پلتیکی حتماً باید از عالم سیاست باشد و به اقتضای شرایط زمان و مکان تعیین شود.<sup>۲۶</sup> در حالی که به گفته مدرس مأمورین دستگاه دیپلماسی ایران فاقد علم و تجربه لازم برای ایفای نقش سیاسی خویش اند و کاملاً از وضعیت سیاسی و اجتماعی کشور خود بی اطلاع.

مدرس از نابخردی و بی اطلاعی دیپلماتهای ایرانی شدیداً متأسف است و در نطق جلسه ۱۱۰ دوم خرداد ۱۳۰۶ مجلس ششم شورای ملی درباره وزارت خارجه و مأمورین آن می گوید: وقتی که من با دوستانم در مهاجرت عثمانی بودیم از مأمورین ایرانی سفارت سؤال می کردیم که رسالت شما در خارج از کشور چیست، پاسخ می دادند که «مأمور حفظ منافع ایران و اتباع ایران هستیم»، در حالی که در هر محفل و مجلسی که می رفتیم و با هر یک از ایرانیان صحبت داشتیم بدون استثنا «از دست همان مأمورین شکایت می کردند».<sup>۲۷</sup> به عبارت دیگر از نظر مدرس نمایندگان و مأمورین ایرانی که به خارج کشور اعزام می شوند، برای تأمین منافع ایران و ایرانیان، افراد شایسته ای نیستند، در حالی که «مأمورینی که از خارج به ایران می آیند من که یک نفر آخوند هستم و با کسی کاری ندارم، از محل تولد من و زندگی من و حتی خوراک بدوی من در کوهستان که شغلم بوده اطلاع دارند».

بدین خاطر لازم است دیپلماتهای مجرب

- وکلاي «نارسیده» مجلس دوم قانونگذاری است که هنوز نمایندگان تجربه و تبحر لازم را در انجام وظایف خویش نداشتند و از دولتهای «رسیده» هم منظور انگلستان است.
- ۱۲- نطق مرحوم مدرس در جلسه دهم آبان ۱۳۰۳ در مجلس شورای ملی، رجوع شود به:
- اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا، ترجمه جواد شیخ الاسلامی، جلد اول، (تهران: مؤسسه کیهان، ۱۳۶۵)، ص ۲۱ و صص ۲-۳؛ نطقها و مکتوبات، پیشین، ص ۹۶.
- ۱۳- مذاکرات مجلس دوره دوم تقنینیه، پیشین، ص ۸۴۳.
- ۱۴- نطقها و مکتوبات، پیشین، ص ۷۹.
- ۱۵- محمد ترکمان، پیشین، ص ۵۸ و ص ۲۲۷.
- ۱۶- حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، جلد چهارم، پیشین، صص ۶۶-۲۶۵. مذاکرات مجلس دوره چهارم تقنینیه، قسمت سوم، پیشین، صص ۱۳۰۹-۱۳۰۷.
- ۱۷- همان، صص ۲۱-۱۳۲۰، ص ۱۳۰۹.
- ۱۸- عبارتی که خود مدرس در مورد روس و انگلیس به کار می برد بدین ترتیب است: «من به قدری که از دوم [انگلیس] می ترسم، از اول [روسیه] نمی ترسم»، محمد ترکمان پیشین، ص ۴۳۲.
- ۱۹- مذاکرات مجلس دوره چهارم تقنینیه، قسمت سوم، پیشین، صص ۸۳-۱۹۸۲ و ص ۱۹۸۸.
- ۲۰- حسین مکی، مدرس قهرمان آزادی، پیشین، ص ۷۵؛ نطقها و مکتوبات، پیشین، ص ۴۳.
- ۲۱- اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا، پیشین، ص ۸، ملک الشعراي بهار، پیشین، ص ۳۶؛ ابراهیم خواجه نوری، بازیگران عصر طلایی، سیدحسن مدرس، (تهران: انتشارات جاویدان ۱۳۵۷)، صص ۹ تا ۱۶.
- ۲۲- اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا، پیشین، ص ۸۹، سند شماره ۶۴ و ۵۸؛ سند شماره ۲۸ ملک الشعراي بهار، پیشین، ص ۵۰.
- ۲۳- همان، ص ۳۰۲؛ نطق مرحوم مدرس در جلسه دهم آبان ۱۳۰۳.
- ۲۴- همان، ص ۳۰۳؛ حسین مکی، مدرس قهرمان آزادی، پیشین، جلد دوم، ص ۵۱۳.
- ۲۵- علیرضا ازغندی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، (تهران: نشر قومس ۱۳۸۱)، ص ۱۲۳.
- ۲۶- مذاکرات مجلس دوره چهارم تقنینیه، قسمت دوم، پیشین، ص ۸۵.
- ۲۷- حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، جلد چهارم، پیشین، ص ۳۰۸.
- ۲۸- همان، ص ۳۰۹.
- تربیت کرد، باید مأمورینی به خارج اعزام شوند که از محیط داخلی کشور خود، از فرهنگ ملت خود و از شرایط سیاسی و اقتصادی دیگران اطلاع داشته باشند. باید «به وزارت خارجه روح و عظمت و اهمیت داد» و این عظمت و اهمیت تنها با افزایش بودجه وزارت خارجه امکان پذیر نیست، بلکه شاید بتوان با تربیت دیپلماتهای مجرب و آگاه به آن دست یافت. ۲۸.

### پانویسها

- ۱- ملک الشعراي بهار، تاریخ مختصر احزاب ایران، چاپ دوم، جلد اول، (تهران: کتابهای جیبی ۱۳۵۷)، ص ۱۳۳؛ صدرالدین طاهری، مدرس، جلد دوم، (تهران: بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، ۱۳۶۶)، ص ۲۵.
- ۲- مذاکرات مجلس دوره چهارم تقنینیه، قسمت سوم، از جلسه مورخ ۲۵، س ۱۳۰۱ تا جلسه ۲۹۴ مورخ ۱۲ جوزا ۱۳۰۲، (تهران: انتشارات اداره روزنامه رسمی کشور)، صص ۸۳-۱۹۸۲.
- ۳- نطقها و مکتوبات و یادداشتهایی پیرامون زندگی مجاهد شهید سیدحسن مدرس، (بی جا: ابوذر ۱۳۵۵)، ص ۱۴۰.
- ۴- همان، ص ۱۴۶.
- ۵- مذاکرات مجلس دوره دوم تقنینیه، قسمت اول تهران روزنامه رسمی کشور، انتشارات مجلس، ص ۱۵۳۱.
- ۶- محمد ترکمان (به کوشش)، مدرس در پنج دوره تقنینیه مجلس شورای ملی جلد اول، (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۶۷)، ص ۴۲۸.
- ۷- مذاکرات مجلس دوره چهارم تقنینیه، (تهران: انتشارات اداره روزنامه رسمی کشور)، ص ۱۷۸.
- ۸- نطقها و مکتوبات، پیشین، ص ۱۴۳.
- ۹- حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، چاپ دوم، جلد چهارم، (تهران: نشر ناشر ۱۳۶۲)، صص ۱۰۱ و ۲۹۳.
- ۱۰- مذاکرات مجلس دوره چهارم تقنینیه، قسمت سوم، پیشین، صص ۴۰-۹۳۹؛ حسین مکی، مدرس، قهرمان آزادی، جلد اول، (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۵۹)، ص ۱۹۳.
- ۱۱- منظور آیت... سیدحسن مدرس از مشروطه «نورس» و